

قاصدهای ساختار شکن !

رشاد مصطفی سلطانی

اردیبهشت ۱۳۹۹

۱- آرشیوهای گمنام !

عکس های تاریخی وزن و بافت ویژه ای داشته و مسیر قلم زنی راتعیین کرده واکثرا الهام بخش تراوشات فکری هستند. اگر تاریخی غرق در خون و اهانت و بیعدالتی نوشته شده ، تاریخی است که فاشیزم اسلامی خالق آن بوده است. ارتجاع اسلامی مستقیما برای آزادی و دمکراسی تابوتی میها نمود ، تا آزادی را بگور بسپارد. بعد از انقلاب ۵۷ علیرغم سیاست اختناق و سرکوب و ترور در کردستان ، زنان و دختران در راهی سخت و پر مخاطره قدم گذاشتند. آنها وارث سنن اومانیستی و کلتور بشردوستانه و نیک اندیشی و ره پویان صادق برابری زن و مرد بودند. فاشیزم اسلامی حیات معنوی شهروندان را تخریب و به انحطاط و ابتذال کشاند. سنن و ارزش های جوامع واپس گرای بیابان های عربستان را در شیوه های متحجرتتر و عقب مانده تر اقتباس و تحمیل نمود. در کردستان فاشیزم اسلامی نتوانست حضور زنان و دختران را که با سرهای افراشته و عزت نفس قالب هارا درهم شکسته و در مبارزات مدنی و بالنده شرکت داشتندبه حاشیه براند .

۲- اصطکاک دین با نوآوری :

نمونه های دیگر حکومت واتیکان در سرزمین ایتالیا بود. بمنظور شکست سوسیالیسم آنزمان و تفکرات عدالت خواهانه و بشر دوستانه ، از فاشیست های ایتالیا و عالیجناب بنیتو موسولینی پشتیبانی و دفاع نمودند. محاکمات گالیله در کلیسا که معتقد بود کره ی زمین میگردد، نمونه ی بارز مخالفت دین با علم و دانش بود. انتقامهای خونین باورمندان دینی پرنسبیبی غیره انسانی میباشد. جامعه ی سیکولار و مدرن احترامی برای پرسودترین شغل در دنیای معاصر که "تجارت دین" است، قایل نیست و نمیتوانداسیر و دنباله رو فرهنگ منحط بیابانی باشد .

۳- مصمم و صاحب اراده ی سیاسی :

زنان و دختران بر علیه سنت های رایج و کلاسیک و سیستم مردسالاری و آپارتاید جنسی و تحقیر و سنگسار بمبارزه های بی امان برخاستند و در این کارزار قیمت گزافی نیزپرداخت کرده و ، مصمم بودندتا وجدان های ناآگاه ، را آگاه و بیدار نمایند. همزمان سفری از تونل تاریخ را شروع کردند. دوران های گذار و سختی را بر علیه دو اتوریتیه یعنی فاشیزم دینی و خانواده ی سنتی را پشت سر نهادند. با فرهنگ حجاب و مقنعه و چادر که مضمون ،شکل و وسیله ی تحقق ایدئولوژی بنیاد گرائی در حکومت های اسلامی است در افتادند. اگر چه شنودها و ارگان های جاسوسی دوران شاه بصورت ارثی به فاشیزم اسلامی رسید اما بی محابا در مبارزات میلیونی شهرها و مارش عظیم بسوی شهر مریوان شرکت فعال داشته و مبارزات مدنی و مدرن را نمایندگی میکردند. اکنون حملات شب پرستان، تاریک اندیشان و جنگ طلبان و اشخاص روان پریش همچنان بر علیه زنان و مدرنیته ادامه دارد. زنان بازنده های اصلی در سیستم های متحجر و کلاسیک هستند .

۴- دستاوردهای عظیم !

تاریخ جنبش انقلابی کردستان محصول تلاش زنان و مردان سکولار برای از پای درآوردن " نابرابری های اجتماعی " و برقراری " عدالت اجتماعی " بود. کومه‌له برای اولین بار در تاریخ جنبش انقلابی سراسر کردستان ، زنان و دختران را به مبارزات مدنی و منسجم دعوت کرد و سازماندهی نمود. روند این جریان از سال ۱۳۵۷ در کردستان و خصوصا مریوان شروع و، منجر به دستاوردی عظیم و دمکراتیک بنام "اتحادیه زنان" گردید که در مبارزات خلق کرد نو آور، وزین و احترام برانگیز است. اتحادیه‌ی زنان با دگم های دینی - مذهبی مرزبندی خردمندانه داشت. طیف چپ و انقلابیون مریوان خصوصا سیمای تابناک جنبش انقلابی کردستان، که راه سخت مبارز را تا پایان تلخش با سربلندی پیمود، اتحادیه زنان را کمک های ارزنده‌ای نمودند. در این ارگان دمکراتیک حضور زنان دگراندیش نیز عادی بود. زنان از گذرگاه های سخت عبور کرده و به پایگاه رفیع اجتماعی رسیدند، در تلاش بودند که ابزار و سیستمی دمکراتیک را سازمان داده که در آن "پل های صلح" را بین اقشار گوناگون جامعه برقرار سازند. ایده های انقلابی و اومانیستی وجه مسلط کردار و پراکتیکشان بود. زنان در تشکیلات بنک‌ها و در مواردی شوراها حضور چشم گیر داشتند. این تشکل ها قالب و فورم ارگانهای دمکراتیک و مردمی را نمایندگی میکردند. با این وصف جنبش انقلابی کردستان با جنبش فیمینیستی تقریبا بیگانه بود .

۵- غدر و کج اندیشی !

مبارزات گسترده‌ای زنان و دختران در پهنه‌ی کردستان ، در مواردی با مواضع التقاطی و اکثرا بالنده و پیشرو ، باپیروزی ها و کاستی های روبرو بود. پروسه‌ی پرافت و خیز مبارزات خونین و مسلحانه در کردستان ، در مواردی با دیدگاه‌های پوپولیزم همراه بوده است. کمیته‌ی مرکزی کومه‌له از انتخاب زنان در نقاط کلیدی و هرم رهبری روی بر تافته و خالق پدیده‌های کج اندیشی و سکتاریزم در تشکیلات بودند. اگرچه پتانسیل و ظرفیت و آمادگی زنان برای پذیرش مسئولیت ها در سطح پائینی نبود اما شرایط ارتقا برای زنان مهیا نگردید و تبعیض های ناروایی را روا جلوه دادند و سرنوشت آنان در کمند محفل موکریان اسیر گشت. رهبری کومه‌له بعد از کنگره‌ی دوم و همزمان پاسیو و منفعل بودن خود زنان، زمینه‌های بی اعتنائی در مورد شایستگی و رهبری زنان را به شیوه‌های دردناک فراهم نمود. همزمان مردان شایسته و همه‌جانبه و صادق جنبش رانیز، به مدارهای پائین پرتاب و باحضورشان در هرم رهبری مخالفت میگردید. مردان و زنانی در تشکیلات کومه‌له بودند که اراده‌ی سیاسی و تواناییهایشان بمراتب بیشتر از بعضی از اعضا کمیته‌ی مرکزی بود. همسوئی و سکوت همه‌ی تشکیلات بطور آشکار مواضع ناره‌وای رهبری را تایید مینمود. ناسیونال - شوینیست های ایرانی آخرین ضربات مهلک را به کومه‌له وارد کرده و باچمدان هایشان بسوی اروپا فرار کردند. جنبش صلح طلبانه‌ی کردستان دردها و نقاط مشترک بسیار وسیعی برای اتحاد و تفاهم و پلاتفورم مشترک بین دیدگاه‌های مختلف داشته و نیازی به انشعابات و اختلافات نبود، گویا اختلافات عقیدتی و ایدئولوژی بوده و آنها بمیل خودشان این کدورت ها را بزرگنمایی کردند . در پروسه‌ی جدائی ها ادعاهای ارائه شد که اساسا مورد اعتماد شهروندان کردستان و انسان های صاحب نظر نبود . سپس اختلافات سلیقه‌ای و شخصی و انشعابات مکرر، در راستای مصالح خصوصی و تقویت بیماری مزمن سکتاریسم ، ظهور کردوباری بهر جهت زنان بمقام رهبری رسیدند.

۶- یاد بزرگوارشان :

یاد و خاطره‌ی زنان و دخترانی که در جریان مبارزات صلح طلبانه و انقلابی کردستان اسیر و در زندان های اسلام سیاسی موردهانت های وقیح و مضمنز کننده و آزار و شکنجه و مرگ سرفرازانه گشتند،

در پروسه‌ی زمان جاویدان بوده و هست. بیگمان تاریخ باسعه‌ی صدردسته گل‌های سرخ و خوش بو و چشم نواز را تقدیمشان میکند. زنانیکه در میدان نبرد با حکومت های توتالیتر اسلامی جان سالم بدر برده و زندگی شرافتمندانه‌ای دارند، نیز شایسته‌ی قدردانی و احترام هستند . تمام

در پاییز سال ۱۳۵۸ این عکس در گورستان تایلهمی سنندج و نزدیک پیکره‌ی مهندس شریف زاده گرفته شده است .



ایستاده از سمت چپ: سویبه باباجیان ، طلعت خالدی ، داده نجیبه ، پروین نودینیان و منیره محبوبی .
 نشسته از سمت چپ: ناهید بهمنی ، سامان ، معصوم خالدی ، ملکه مصطفی سلطانی و نسرین زکریائی.





مارش عظیم زنان و دختران سنندجی ، در بستر یک حرکت مدنی و پشتیبانی از کوچ تاریخی
مریوان، تابستان ۱۳۵۸ .